

فعالان صنعتی در گفت‌وگو با **صنعت** از فرصت‌ها و چالش‌های صادرات غیر نفتی می‌گویند

صادرات از مسیر تولید رقابت‌پذیر



وی با اشاره به تجربه کشورهای موفق در توسعه صادرات، خاطرنشان کرد: حمایت از تولید، در نهایت می‌تواند به عرضه محصولاتی با قیمت مناسب‌تر منجر شود. به اعتقاد او، بخشی از موفقیت چین در بازارهای جهانی را باید در ساختار هزینه تولید و سیاست‌هایی جست‌وجو کرد که امکان عرضه محصولات ارزان‌تر را برای بنگاه‌های آن کشور فراهم کرده است. در مقابل، تولیدکنندگان ایرانی برای حضور موثر در بازارهای خارجی باید بتوانند فاصله قیمتی خود را بر قیا کاهش دهند.

دبیر انجمن صنعت موتورسیکلت ایران در تشریح اقدامات موردنیاز دولت برای کمک به صادرات گفت: برگزاری نمایشگاه‌های تخصصی در کشورهای هدف، ایجاد فرصت‌های گفت‌وگو میان فعالان اقتصادی و توسعه ارتباطات بین‌المللی می‌تواند به تولیدکنندگان در شناخت بازارها و یافتن مشتریان بالقوه کمک کند. این اقدامات زمانی موثرتر خواهد بود که با سیاست‌های پایدار برای کاهش موانع تولید و تقویت زیرساخت‌های صادراتی همراه شود. او همچنین نقش تشکیل‌های اقتصادی را در این مسیر قابل‌توجه دانست و بر ضرورت همکاری میان دولت، نهادهای تجاری و تولیدکنندگان تأکید کرد. به گفته ضیاءمقدم، صنایع متعددی در کشور ظرفیت تولید محصولات قابل عرضه در بازارهای جهانی را دارند، اما استفاده از این توان بالقوه به رفع موانع و فراهم شدن شرایط رقابت بستگی دارد. از این منظر، حمایت از تولید صادرات‌محور باید فراتر از توصیه‌های کلی باشد و در قالب اقداماتی عملی برای کاهش هزینه‌ها، تسهیل تجارت و گسترش بازارهای هدف دنبال شود.



حوزه دانست. توسعه بازارهای صادراتی تنها با افزایش تعداد واحدهای تولیدی محقق نمی‌شود؛ بلکه صنعت برای پاسخگویی به نیازهای متنوع بازارهای خارجی به طراحان

آموزش‌دیده، نیروی متخصص و دانش فنی به‌روز نیاز دارد. از سوی دیگر، ایجاد نشدن شهرک‌های تخصصی کفش، به‌ویژه در زمینه تولید کفش‌های اسپرت، می‌تواند از شکل‌گیری مزیت‌های ناشی از تمرکز فعالیت‌های مرتبط جلوگیری کند. محدودیت در دسترسی به مواد اولیه متنوع نیز از دیگر موانعی است که به گفته خادم، بر قدرت رقابت تولیدکنندگان اثر می‌گذارد. تنوع مواد اولیه به تولیدکننده امکان می‌دهد محصولات خود را با کیفیت، طراحی و قیمت متناسب با بازار مقصد عرضه کند. بنابراین، تسهیل تأمین نهاده‌ها و کاهش هزینه دسترسی به مواد اولیه، در کنار توسعه فناوری، می‌تواند زمینه تولید محصولات متنوع‌تر و رقابت‌پذیرتر را فراهم کند.

خادم برای گسترش صادرات پایدار کفش پیشنهاد کرد که ایجاد شهرک‌های تخصصی با رویکرد جذب سرمایه‌گذاری خارجی در دستور کار قرار گیرد و دراین‌باره گفت: توسعه مراکز آموزشی علمی و عملی، اختصاص تسهیلات بانکی با نرخ‌های رقابتی به کارخانه‌های تولید مواد اولیه و کفش و بازنگری در تعرفه واردات مواد اولیه موردنیاز این صنعت نیز از دیگر راهکارهای پیشنهادی او بود.

سخن پایانی

و بنگاه‌ها از شرایط مناسب برای رقابت برخوردار نباشند، دستیابی به سهم پایدار از بازارهای جهانی دشوار خواهد بود. از این‌رو، کلید گسترش صادرات صنعتی در پیوند میان اصلاحات اقتصادی، حمایت هدفمند از تولید و تقویت توان رقابتی بنگاه‌های داخلی قرار دارد.

نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخاب خریدار داشته باشد. از این‌رو، حتی اگر محصول ایرانی از کیفیت مناسبی برخوردار باشد، بالا بودن هزینه تولید ممکن است فرصت رقابت با محصولات مشابه خارجی را کاهش دهد.

این فعال صنعتی در ادامه گفت: قیمت تمام‌شده محصولات موتورسیکلت تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل قرار دارد که بخشی از آنها خارج از اختیار مستقیم تولیدکننده است. نوسانات نرخ ارز، شرایط تأمین مواد اولیه و بی‌ثباتی در متغیرهای اقتصادی، برنامه‌ریزی بنگاه‌ها را دشوار می‌کند و هزینه‌های تولید را افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی، تولیدکننده نمی‌تواند به‌آسانی قیمت محصولات خود را در سطحی نگه دارد که در بازارهای هدف جذاب و رقابتی باشد.

وی با اشاره به تفاوت قیمت محصولات ایرانی و چینی افزود: زمانی که محصول داخلی با هزینه بالاتری تولید می‌شود، امکان عرضه آن با قیمتی هم‌سطح رقیای خارجی کاهش می‌یابد. همین مسئله می‌تواند مانعی جدی برای توسعه صادرات باشد؛ بنابراین، کاهش هزینه‌های تولید و ایجاد شرایط اقتصادی ثبات‌تر باید در کنار رعایت استانداردهای جهانی موردتوجه قرار گیرد.

ضیاءمقدم همچنین نقش سیاست‌های حمایتی دولت را در توسعه صادرات مهم دانست و تأکید کرد: تولیدکنندگان برای حضور در بازارهای خارجی به بستری مطمئن نیاز دارند. از نگاه او، دولت باید ضمن فراهم کردن شرایط مناسب برای تولید رقابت‌پذیر، به ایجاد ارتباطات تجاری و شناسایی بازارهای جدید نیز کمک کند. تولیدکننده در صورتی می‌تواند تمام توان خود را بر ارتقای کیفیت و افزایش بهره‌وری متمرکز کند که از ثبات نسبی شرایط فعالیت و امکان دسترسی به بازار فروش برخوردار باشد.

تولیدکننده در انتظار جهش فناوری

بیش از ۷۰ هزار نفر اشتغال ایجاد کرده و کارخانه‌های چرم در شهرهایی مانند تهران، تبریز و مشهد نیز ظرفیت تولید بیش از ۷۰۰ میلیون فوت با چرم سبک و سنگین را دارند. افزون بر این، بازار کشورهای همسایه با جمعیتی در حدود ۵۰۰ میلیون نفر، فرصت مناسبی برای گسترش فروش محصولات ایرانی فراهم می‌کند.

وی همچنین دسترسی به منابع انسانی، برخی نهادهای تولید و ظرفیت‌های صنایع پتروشیمی را از مزیت‌های این بخش برشمرد. تولید مواد پلیمری در مجتمع‌های پتروشیمی و فعالیت کارخانه‌های پایین‌دستی در زمینه تولید پلی‌اورتان و زیره کفش، از جمله ظرفیت‌هایی است که می‌تواند به تأمین بخشی از نیازهای صنعت کمک کند. در صورت ایجاد پیوند موثر میان این ظرفیت‌ها و واحدهای تولید کفش، امکان کاهش وابستگی به برخی نهادهای وارداتی و تقویت زنجیره ارزش داخلی نیز فراهم خواهد شد.

با وجود این مزیت‌ها، به اعتقاد خادم، توسعه صادرات کفش با موانعی روبه‌رو است که بخشی از آنها به ضعف فناوری و محدودیت سرمایه‌گذاری بازمی‌گردد. انتقال نیافتن فناوری‌های جدید، ورود محدود سرمایه به این صنعت و تمایل نداشتن برخی بانک‌ها به تأمین مالی پروژه‌ها، از جمله عواملی هستند که سرعت توسعه را کاهش داده‌اند. به گفته او، آشنایی ناکافی نظام تأمین مالی با ظرفیت‌های بالقوه این صنعت نیز در تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری تأثیرگذار بوده است. این فعال صنعت کفش، نبود مراکز آموزشی تخصصی در سطوح مختلف طراحی و تولید را از دیگر چالش‌های این

صنعت موتورسیکلت از جمله بخش‌هایی است که با برخورداری از واحدهای تولیدی فعال و توان تأمین نیاز بازار داخلی، امکان گسترش فعالیت در بازارهای خارجی را نیز دارد. با این حال، فاصله میان ظرفیت تولید و عملکرد صادراتی این صنعت نشان می‌دهد که برخورداری از توان فنی و استانداردهای تولید، به‌تنهایی برای موفقیت در تجارت بین‌المللی کافی نیست. رقابت با تولیدکنندگان بزرگ جهانی، به‌ویژه شرکت‌های چینی، ضرورت توجه هم‌زمان به کیفیت، قیمت تمام‌شده و حمایت‌های موثر از صادرات را برجسته می‌کند.

بهمن ضیاءمقدم، دبیر انجمن صنعت موتورسیکلت ایران، با اشاره به ظرفیت‌های موجود در این بخش برای توسعه صادرات، به **صنعت** گفت: صنعت موتورسیکلت کشور از توان فنی و تولیدی لازم برای حرکت به سمت تولید صادرات‌محور برخوردار است و می‌تواند با عرضه محصولات متناسب با استانداردهای جهانی، سهم بیشتری از بازارهای خارجی را به دست آورد. به گفته او، تولید در این صنعت بر مبنای استانداردهای جهانی انجام می‌شود و از این نظر، محصولات ایرانی قابلیت رقابت در بازارهای بین‌المللی را دارند.

وی با این حال تأکید کرد که حضور محدود در بازارهای صادراتی نشان می‌دهد میان توان تولید و امکان رقابت اقتصادی فاصله وجود دارد. یکی از عوامل مهم در این زمینه، حضور گسترده تولیدکنندگان چینی در بازارهای جهانی است؛ تولیدکنندگانی که در بسیاری از موارد با تکیه بر قیمت‌های پایین‌تر، توانسته‌اند سهم قابل‌توجهی از بازارها را در اختیار بگیرند.

ضیاءمقدم ادامه داد: در تجارت خارجی، کیفیت مناسب شرط لازم برای حضور در بازار است، اما زمانی که چند محصول از نظر استاندارد و کارکرد در سطح قابل‌قبولی قرار دارند، قیمت می‌تواند

صنعت کفش یکی دیگر از بخش‌های تولیدی کشور است که به‌دلیل برخورداری از نیروی انسانی، تجربه تولید و دسترسی به صادرات از مواد اولیه موردنیاز، ظرفیت قابل‌توجهی برای توسعه دارد.

این صنعت هم‌اکنون نیز بخشی از نیاز بازار کشورهای همسایه را تأمین می‌کند، اما دستیابی به سهم بیشتر از بازارهای منطقه‌ای و جهانی به سرمایه‌گذاری، ارتقای فناوری و ایجاد زیرساخت‌های تخصصی نیاز دارد. تجربه کشورهای توسعه‌یافته نیز نشان می‌دهد که صنایع مبتنی بر تولید تمام ظرفیت مصرفی، در صورت برخورداری از برنامه‌ریزی مناسب و توان رقابتی، می‌توانند به یکی از پایه‌های توسعه صنعتی تبدیل شوند.

احمد خادم، عضو انجمن صنعت کفش تبریز، با تأکید بر ارتباط میان توسعه صادرات و ارتقای توان تولیدی کشور به **صنعت** گفت: افزایش کیفیت کالاهای داخلی و تقویت صنعت، بدون توجه به بازارهای هدف و گسترش صادرات، نمی‌تواند به تمام ظرفیت مصرفی، در صورت برخورداری از توان رقابتی مناسب و محدودیت سرمایه‌گذاری بازمی‌گردد. انتقال نیافتن فناوری‌های جدید، ورود محدود سرمایه به این صنعت و تمایل نداشتن برخی بانک‌ها به تأمین مالی پروژه‌ها، از جمله عواملی هستند که سرعت توسعه را کاهش داده‌اند. به گفته او، آشنایی ناکافی نظام تأمین مالی با ظرفیت‌های بالقوه این صنعت نیز در تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری تأثیرگذار بوده است. این فعال صنعت کفش، نبود مراکز آموزشی تخصصی در سطوح مختلف طراحی و تولید را از دیگر چالش‌های این

به گفته این فعال صنعتی، چنین رویکردی از یک سو به رشد تولید دیگروانه و بهبود کیفیت کالاهای داخلی کمک می‌کند و از سوی دیگر، با افزایش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات، زمینه متنوع‌سازی منابع درآمدی کشور را فراهم می‌سازد. بنابراین، توسعه صادرات کفش را نباید صرفاً افزایش فروش یک محصول دانست، بلکه این مسیر می‌تواند به تقویت زنجیره تولید، گسترش سرمایه‌گذاری و افزایش توان صنعتی کشور نیز منجر شود.

خادم با اشاره به مزیت‌های صنعت کفش ایران اظهار کرد: این صنعت از نظر اشتغال‌زایی و پیوند با بخش‌های مختلف تولیدی، اهمیت قابل‌توجهی دارد. به گفته او، صنعت کفش



شهاب صفایی
editor@smtnews.ir



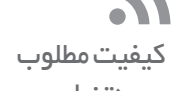
حضور موفق در بازارهای خارجی از شناخت نیاز مصرف‌کنندگان، برنامه‌ریزی تولید و فرایند شدن سیستم‌های پایدار تجاری آغاز می‌شود



مدیریت ساخت داخل؛ از اعتماد به سازنده تا تضمین کیفیت

یکی از عوامل تعیین‌کننده در پیشرفت بومی‌سازی، رویکرد مدیریتی در مواجهه با توان تولید داخل است. شکل‌گیری بازار پایدار برای سازندگان ایرانی، زمانی امکان‌پذیر می‌شود که تصمیم‌گیری درباره تأمین تجهیزات، علاوه بر ملاحظات وابستگی عملیاتی را کاهش دهد. اهمیت این حوزه به‌ویژه در تأسیسات دور از مراکز صنعتی و میدان‌هایی که استمرار فعالیت آنها به تأمین سریع قطعات وابسته است، بیشتر نمایان می‌شود. دسترسی به سازندگان داخلی توانمند، امکان کاهش زمان انتظار برای تعمیرات، تسریع بازگرداندن تجهیزات به مدار و مدیریت بهتر هزینه‌های نگهداری را فراهم می‌کند. البته تحقق این مزایا به رعایت استانداردهای فنی، آزمون‌های معتبر و اطمینان از عملکرد تجهیزات در شرایط واقعی بهره‌برداری وابسته است.

یکی از عوامل تعیین‌کننده در پیشرفت بومی‌سازی، رویکرد مدیریتی در مواجهه با توان تولید داخل است. شکل‌گیری بازار پایدار برای سازندگان ایرانی، زمانی امکان‌پذیر می‌شود که تصمیم‌گیری درباره تأمین تجهیزات، علاوه بر ملاحظات وابستگی عملیاتی را کاهش دهد. اهمیت این حوزه به‌ویژه در تأسیسات دور از مراکز صنعتی و میدان‌هایی که استمرار فعالیت آنها به تأمین سریع قطعات وابسته است، بیشتر نمایان می‌شود. دسترسی به سازندگان داخلی توانمند، امکان کاهش زمان انتظار برای تعمیرات، تسریع بازگرداندن تجهیزات به مدار و مدیریت بهتر هزینه‌های نگهداری را فراهم می‌کند. البته تحقق این مزایا به رعایت استانداردهای فنی، آزمون‌های معتبر و اطمینان از عملکرد تجهیزات در شرایط واقعی بهره‌برداری وابسته است.



کیفیت مطلوب به‌تنهایی تضمین‌کننده صادرات نیست؛ تولیدکننده برای رقابت با محصولات خارجی به قیمت تمام‌شده مناسب و حمایت‌های هدفمند نیاز دارد

تداوم نهضت ساخت داخل در سال‌های اخیر نشان داده که محدودیت‌های خارجی، در کنار تمام دشواری‌های خود، ضرورت بازنگری در الگوی تأمین تجهیزات و تقویت توان تولیدی کشور را برجسته کرده‌اند. با این حال، موفقیت نهایی این مسیر تنها با شمارش اقدام بومی‌شده سنجیده نمی‌شود؛ میزان کاهش وابستگی، کیفیت محصولات، پایداری تولید، کنوان تعمیر و نگهداری و قابلیت توسعه فناوری نیز باید در ارزیابی آن موردتوجه قرار گیرد.

گام بعدی، تعمیق ساخت داخل در تجهیزات پیچیده‌تر، گسترش همکاری میان سازندگان و مراکز علمی، توسعه آزمایشگاه‌های تخصصی و ایجاد بازارهای صادراتی برای محصولات رقابت‌پذیر است. تحقق این اهداف، علاوه بر کاهش آسیب‌پذیری صنعت نفت در برابر تحریم و اختلال زنجیره تأمین، می‌تواند به رشد شرکت‌های فنآور، افزایش اشتغال تخصصی و شکل‌گیری ظرفیت‌های صنعتی ماندگار منجر شود.

در نهایت، ارزش راهبردی ساخت داخل در توانایی آن برای تضمین استمرار عملیات و تبدیل دانش مهندسی به محصول قابل اتکا نمایان می‌شود. هرچه پیوند میان نیازهای میدان، تصمیم‌گیری مدیریتی و ظرفیت سازندگان داخلی مستحکم‌تر شود، امکان دستیابی به استقلال عملیاتی در بخش‌های حساس صنعت نفت نیز افزایش خواهد یافت. این همان مسیری است که می‌تواند ساخت داخل را از یک ضرورت ناشی از محدودیت‌های خارجی به مزیتی پایدار برای تولید، توسعه فناوری و آینده صنعت نفت ایران تبدیل کند.

تداوم نهضت ساخت داخل صنعت نفت

حسین قادری آزاد -کارشناس صنعت نفت: ساخت داخل تجهیزات و تأسیسات صنعت نفت به راهبردی اساسی در این صنعت تبدیل شده و امروزه تولید نفت و گاز در بخش‌های بالادستی، در بسیاری از حوزه‌های عملیاتی و تجهیزاتی، بر ظرفیت‌های بومی استوار است؛ روندی که با وجود تشدید تحریم‌ها، محدودیت‌های فناوری و شرایط ناشی از جنگ و تحولات منطقه‌ای، در سال‌های اخیر با قدرت ادامه یافته است. اهمیت این مسیر زمانی بیشتر آشکار می‌شود که بدانیم استمرار تولید از میدان‌های نفتی و گازی، علاوه بر دانش فنی و نیروی انسانی متخصص، به دسترسی پایدار به طیف گسترده‌ای از تجهیزات حساس، قطعات تخصصی و سامانه‌های عملیاتی وابسته است؛ تجهیزاتی که اختلال در تأمین حتی بخشی از آنها می‌تواند هزینه، ایمنی و پایداری تولید را تحت‌تأثیر قرار دهد. در چنین شرایطی، ساخت داخل دیگر صرفاً راهکاری برای جایگزینی کالاهای وارداتی نیست، بلکه بخشی از راهبرد حفظ استقلال عملیاتی و افزایش تاب‌آوری صنعت نفت محسوب می‌شود. تحقق این هدف نیز مستلزم رویکردی فراتر از خرید محصولات داخلی است؛ رویکردی که بر اعتماد به توان مهندسی کشور، میدان دادن به سازندگان متخصص، پذیرش ریسک منطقی توسعه فناوری و ایجاد پیوند پایدار میان نیازهای عملیاتی و ظرفیت تولید داخل استوار باشد.

بخش بالادستی صنعت نفت، به‌دلیل پیچیدگی شرایط مخزن، فشار و دمای بالا، محیط‌های خورنده و ضرورت عملکرد مستمر تجهیزات، از حساس‌ترین حوزه‌ها برای بومی‌سازی فناوری به‌شمار می‌رود. تجهیزات سرچاهی، ابزارهای کنترل جریان، شیرالات فشارقوی، تجهیزات درون‌چاهی، پمپ‌ها، سامانه‌های تکمیل چاه و ابزارهای اندازه‌گیری و کنترل، تنها بخشی از اقلامی هستند که کیفیت و قابلیت اطمینان آنها مستقیم بر عملکرد چاه‌ها و استمرار تولید اثر می‌گذارد.

در حوزه تجهیزات درون‌چاهی، الزامات فنی به‌مراتب پیچیده‌تر است؛ زیرا این تجهیزات باید در شرایط فشار، دما و تنش‌های مکانیکی خاص، عملکردی دقیق و قابل اطمینان داشته باشند و در بسیاری از موارد، امکان دسترسی و تعمیر آنها بدون عملیات پرهزینه وجود ندارد. توسعه توان طراحی و ساخت این محصولات در داخل کشور، علاوه بر کاهش وابستگی به تأمین‌کنندگان خارجی، امکان انطباق بهتر تجهیزات با شرایط واقعی میدان‌های نفتی و گازی ایران را فراهم می‌کند.

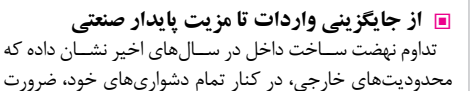
در همین چارچوب، توسعه ساخت داخل نباید به تولید قطعاتی مشابه نمونه خارجی محدود شود. دستیابی به دانش طراحی، انتخاب مواد مناسب، کنترل فرآیندهای ساخت، انجام آزمون‌های عملکردی و ارزیابی دوام تجهیزات، اجزای ضروری بومی‌سازی واقعی هستند. حرکت به سمت این سطح از توانمندی، مستلزم آن است که سازندگان داخلی نه صرفاً به‌عنوان تأمین‌کننده کالا، بلکه به‌عنوان شریک فنی در حل مسائل عملیاتی صنعت نفت شناخته شوند.

در کنار تجهیزات چاه و سرچاه، تأسیسات فرآورش نفت و گاز نیز جایگاه مهمی در نهضت ساخت داخل دارند. واحدهای جداسازی، تجهیزات فرآورش گاز، کمپرسورها، پمپ‌های فرآیند، مبدل‌های حرارتی، سامانه‌های کنترل و ابزار دقیق، از جمله بخش‌هایی هستند که توسعه توان داخلی در آنها می‌تواند وابستگی عملیاتی را کاهش دهد. اهمیت این حوزه به‌ویژه در تأسیسات دور از مراکز صنعتی و میدان‌هایی که استمرار فعالیت آنها به تأمین سریع قطعات وابسته است، بیشتر نمایان می‌شود. دسترسی به سازندگان داخلی توانمند، امکان کاهش زمان انتظار برای تعمیرات، تسریع بازگرداندن تجهیزات به مدار و مدیریت بهتر هزینه‌های نگهداری را فراهم می‌کند. البته تحقق این مزایا به رعایت استانداردهای فنی، آزمون‌های معتبر و اطمینان از عملکرد تجهیزات در شرایط واقعی بهره‌برداری وابسته است.

مدیریت ساخت داخل؛ از اعتماد به سازنده تا تضمین کیفیت

یکی از عوامل تعیین‌کننده در پیشرفت بومی‌سازی، رویکرد مدیریتی در مواجهه با توان تولید داخل است. شکل‌گیری بازار پایدار برای سازندگان ایرانی، زمانی امکان‌پذیر می‌شود که تصمیم‌گیری درباره تأمین تجهیزات، علاوه بر ملاحظات وابستگی عملیاتی را کاهش دهد. اهمیت این حوزه به‌ویژه در تأسیسات دور از مراکز صنعتی و میدان‌هایی که استمرار فعالیت آنها به تأمین سریع قطعات وابسته است، بیشتر نمایان می‌شود. دسترسی به سازندگان داخلی توانمند، امکان کاهش زمان انتظار برای تعمیرات، تسریع بازگرداندن تجهیزات به مدار و مدیریت بهتر هزینه‌های نگهداری را فراهم می‌کند. البته تحقق این مزایا به رعایت استانداردهای فنی، آزمون‌های معتبر و اطمینان از عملکرد تجهیزات در شرایط واقعی بهره‌برداری وابسته است.

یکی از عوامل تعیین‌کننده در پیشرفت بومی‌سازی، رویکرد مدیریتی در مواجهه با توان تولید داخل است. شکل‌گیری بازار پایدار برای سازندگان ایرانی، زمانی امکان‌پذیر می‌شود که تصمیم‌گیری درباره تأمین تجهیزات، علاوه بر ملاحظات وابستگی عملیاتی را کاهش دهد. اهمیت این حوزه به‌ویژه در تأسیسات دور از مراکز صنعتی و میدان‌هایی که استمرار فعالیت آنها به تأمین سریع قطعات وابسته است، بیشتر نمایان می‌شود. دسترسی به سازندگان داخلی توانمند، امکان کاهش زمان انتظار برای تعمیرات، تسریع بازگرداندن تجهیزات به مدار و مدیریت بهتر هزینه‌های نگهداری را فراهم می‌کند. البته تحقق این مزایا به رعایت استانداردهای فنی، آزمون‌های معتبر و اطمینان از عملکرد تجهیزات در شرایط واقعی بهره‌برداری وابسته است.



از جایگزینی واردات تا مزیت پایدار صنعتی

تداوم نهضت ساخت داخل در سال‌های اخیر نشان داده که محدودیت‌های خارجی، در کنار تمام دشواری‌های خود، ضرورت بازنگری در الگوی تأمین تجهیزات و تقویت توان تولیدی کشور را برجسته کرده‌اند. با این حال، موفقیت نهایی این مسیر تنها با شمارش اقدام بومی‌شده سنجیده نمی‌شود؛ میزان کاهش وابستگی، کیفیت محصولات، پایداری تولید، کنوان تعمیر و نگهداری و قابلیت توسعه فناوری نیز باید در ارزیابی آن موردتوجه قرار گیرد. گام بعدی، تعمیق ساخت داخل در تجهیزات پیچیده‌تر، گسترش همکاری میان سازندگان و مراکز علمی، توسعه آزمایشگاه‌های تخصصی و ایجاد بازارهای صادراتی برای محصولات رقابت‌پذیر است. تحقق این اهداف، علاوه بر کاهش آسیب‌پذیری صنعت نفت در برابر تحریم و اختلال زنجیره تأمین، می‌تواند به رشد شرکت‌های فنآور، افزایش اشتغال تخصصی و شکل‌گیری ظرفیت‌های صنعتی ماندگار منجر شود. در نهایت، ارزش راهبردی ساخت داخل در توانایی آن برای تضمین استمرار عملیات و تبدیل دانش مهندسی به محصول قابل اتکا نمایان می‌شود. هرچه پیوند میان نیازهای میدان، تصمیم‌گیری مدیریتی و ظرفیت سازندگان داخلی مستحکم‌تر شود، امکان دستیابی به استقلال عملیاتی در بخش‌های حساس صنعت نفت نیز افزایش خواهد یافت. این همان مسیری است که می‌تواند ساخت داخل را از یک ضرورت ناشی از محدودیت‌های خارجی به مزیتی پایدار برای تولید، توسعه فناوری و آینده صنعت نفت ایران تبدیل کند.